

دژیم ترکیه در خدمت
امپریالیزم امریکا

ترکیه ،
فاتو ،

و مبارزات خلقهای خاورمیانه

خبرگزاریها گزارش دادند که روز چهارشنبه ۱۹ دیمه جاری ایالات متحده و ترکیه روی اصول یک پیمان درازمدت دفاعی بتوافق رسیدند. طرفین مذاکره علاوه بر پیمان فوق سه موافقتنامه دیگر را نیز به مرحله نهائی رساندند. یکی از این موافقتنامه‌ها در مورد تثبیت وضعیت پایگاههای ایالات متحده در ترکیه، موافقتنامه بعدی در جهت کمک دفاعی ایالات متحده به ترکیه و سومی متضمن همکاری ایالات متحده در زمینه توسعه صنایع نظامی ترکیه است.

بعد از اشغال نظامی قبرس بوسیله ارتش ترکیه در سال ۱۹۷۴ کنگره آمریکا صدور اسلحه را به ترکیه تحریم نمود و بدنبال آن دولت ترکیه بعنوان ژست اعتراض آمیز قراردادهای نظامی خود را با این کشور بطور یکجانبه لغو و اقدام به تعطیل نمودن پایگاههای آمریکائی نمود. بعد از رفع تحریم صدور اسلحه در اکتبر ۱۹۷۸، ۴ پایگاه اصلی آمریکا که ۲ پایگاه آن جنبه امنیتی و اطلاعاتی دارند مجدداً "گشایش یافتند". البته باید در نظر داشت که اقدام دولت ترکیه در سال ۱۹۷۵ در جهت تعطیل کردن پایگاههای آمریکا فقط شامل پایگاههای با اصطلاح مهم میشد و سایر دفاتر نظامی و مؤسسات اطلاعاتی آمریکا همچنان بکار خود ادامه میدادند. خبرگزاریها در تفسیرهای خود علت تسریع مذاکرات طرفین ذینفع را در جهت عقد قراردادهای جدید، برجسته شدن پایگاههای آمریکائی در ایران و دخالت نظامی شوروی در افغانستان ذکر کرده‌اند. در حالیکه طبق گزارش همان خبرگزاریها آمریکا مصرأ "خواستار استفاده از پایگاههای خود در ترکیه برای موارد "اضطراری" در خاور میانه و آسیای مرکزی گردیده و دولت ترکیه نیز قبول این شرط را منوط به اداره مشترک این

پایگاهها نموده است که بهر حال در اصل موضوع چندان تفاوتی پیدا نمیشود. باین ترتیب با امضای این قراردادها حمایت ایالات متحده از ترکیه افزایش خواهد یافت.

ترکیه از زمان آتاتورک گرایشات خود را نسبت به غرب نشان داد و بعدها بدلیل تمایلات توجه خود را از امپریالیسم محتضر اروپا به امپریالیسم نوخاسته ایالات متحده معطوف نمود. اولین پیمان نظامی بین ترکیه و ایالات متحده در ۱۲ ژوئیه ۱۹۴۷ با امضاء رسید و همین پیمان مقدمه اعزام پرسنل و جنگ افزار آمریکائی به ترکیه گردید. ترکیه سپس تحت لوای "دکترین ترومن" کم کم تبدیل به پایگاه مطمئنی برای آمریکا گردید و ایالات متحده کمکهای نظامی و اقتصادی خود را که در حقیقت برای انجام مقاصد خود بود به این کشور سرازیر نمود. وابستگی ترکیه به امپریالیسم آمریکا بجائی رسید که ایالات متحده کرارا "این کشور را بعنوان "مطمئن ترین متحد" خود معرفی نمود. نقطه اوج خوش رقصیهای ترکیه در مورد امپریالیسم آمریکا اعزام نیروی کمکی به جنگ امپریالیستی کره در سال ۱۹۵۰ بود که همین امر موجب پذیرش ترکیه بعنوان عضو کامل ناتو بسال ۱۹۵۲ گردید و این کشور را بصورت یکی از اقطار و دست نشانندگان آمریکا در آورد. در رابطه با همین دست نشانندگی نیروی نظامی ایالات متحده با استفاده از پایگاههای خود در ترکیه در سال ۱۹۵۸ وارد لبنان شد. این مسئله و دیگر ترکنازیهای آمریکا در ترکیه باعث بروز نارضایتی هائی در میان گروههای پیشرو گردید. اما باید در نظر داشت که کلیه دولتی که بعد از سال ۱۹۴۷ در ترکیه بر روی کار آمدند مبنای سیاست خارجی ترکیه را بر وابستگی هر چه بیشتر با امپریالیسم آمریکا گذاشتند و اغتشاشات ترکیه در سال ۱۹۵۸ و ۵۹ با وجود تعدیل ظاهری

این وابستگی کمک چندانی به اصل موضوع نکند.

در سال ۱۹۶۵ با پیروزی حزب عدالت و نخست‌وزیری دمیرل، مجدداً نفوذ امپریالیسم آمریکا رو به فزونی گرفت. دمیرل صریحاً "اعلام نمود که ترکیه از پیمان ناتو خارج نخواهد شد و ضمناً با وجود تکذیبهای مکرر اجازه داد که آمریکا پایگاه نظامی جدیدی در سوگلی ایجاد کند.

تعداد پایگاههای آمریکائی در ترکیه بسیار زیاد است مهمترین آنها عبارتند از پایگاه هوائی کارامورسل، پایگاه این‌سرلیک و پایگاه پیرین‌سیلیک. علاوه بر اینها پایگاههای دیگری که بوسیله مستشاران آمریکائی اداره میشوند در سرتاسر ساحل دریای سیاه، مناطق شمال غربی و جنوب شرقی و اطراف آنکارا پراکنده هستند. یکی از شاخه‌های نظامی وابسته به نیروی هوائی آمریکا گروه لجستیکی ایالات متحده است که ستاد فرماندهی آن در آنکارا واقع است و این گروه وظیفه تاءمین لجستیکی نیروهای آمریکائی را در مدینترانه شرقی و خاورمیانه داراست. همچنین ستاد مشترک عملیات نظامی آمریکا برای کمک به ترکیه (JUSSMAT) و دیگر واحدهای آمریکا در ترکیه مستقر میباشند.

علاوه بر پایگاههای نظامی، پلیس مخفی ترکیه "میت" سازمانی است کاملاً "دست پرورده" "سیا" و دارای سوابق حسنه طولانی یا دیگر شعبه "سیا" یعنی "موساد" است. هر دو این سازمانها بالطبع با همکاریهای مشترکی که دارند عملیات خود را بر روی جنبشهای خلقهای منطقه متمرکز کرده‌اند.

امپریالیسم آمریکا چه مستقیماً و چه تحت پوشش ناتو در ترکیه دارای موقعیتی ممتاز است و در حقیقت در حکم پتکی است که هر بار بر سر خلقهای تحت ستم منطقه خاورمیانه فرود میاید و ترکیه بعنوان عروسک کوکی ایالات متحده همیشه رل سکوی پرشی را برای آن ایفاء نموده و راه را برای جنایات امپریالیسم در منطقه هموار کرده است. با نخست‌وزیری مجدد دمیرل و توافقه‌های جدید دولت ترکیه با امپریالیسم آمریکا باید منتظر اقدامات غرب در منطقه از طریق ترکیه شد و این مسئله بخصوص در مورد بحران روابط ایران و آمریکا و مبارزات خلقهای کشور ما بر ضد امپریالیسم غرب حائز اهمیت است. علی‌الخصوص که آمریکا در کنفرانس اخیر ناتو توانسته است اعضای پیمان را به پشتیبانی از خود در رابطه با بحران ایران جلب نماید و طبیعی است که پل اصلی اعمال نفوذ سیاستهای مزورانه ایالات متحده در ایران کشور ترکیه خواهد بود.

دمیرل که در اولین دوره نخست‌وزیری خود ثابت نمود فاشیستی قسم خورده است، ماهیت خود را با صحه گذاشتن بر قطعنامه سازمان ملل که دال بر محکومیت ایران است ثابت نمود و در هر حال این آمادگی را در دولت خود میبیند که اگر مسئله دخالت نظامی آمریکا در منطقه پیش آید، بعنوان چیره خوار ناتوئی آن پیشقدم این جنایت باشد. قضیه‌یاد تعجب آور نیست دول ترکیه یکبار در مورد لبنان و بارها در مورد جنبشهای رهائی بخش خلقهای منطقه سرسپردگی خود را به امپریالیسم آمریکا و جنایات آن نشان داده‌اند و این بار نیز از آشکار کردن "حسن نیت" خود نسبت به آرباب خویش خودداری نخواهند کرد. طبیعی است که پیمان جدید خود تضمینی بر اینگونه عملیات ضد بشری است

دولت ترکیه دشمن خلق ارمنی

حکومت‌های متوالی ترکیه، تاثیر مهمی بر آخرین دوره سیر تاریخی خلق ارمنی داشته‌اند. این حکومتها همواره در نقش مجربان پیگیر استبداد، استثمار و اعمال خشن ضد مردمی ظاهر شده‌اند.

بیداری خلق ارمنی از سالهای ۱۸۵۰ شروع به نضج گرفتن نموده. خلق ارمنی تحت تاثیر انقلاب کبیر فرانسه، پیکارهای رهایی بخش ملل بالکان و جو انقلابی روسیه در پی رهایی خود از شش قرن اسارت برآمده.

از سالهای ۱۸۸۵ اعتراض سیاسی آرامنه جنبه مسلحانه بخود گرفت. زمانیکه پیکار خونین و بی وقفه بیست ساله انقلابی-چریکی خلق ارمنی بر علیه دولت عثمانی، دامنه وسیعی پیدا کرد، مجامع مزور دیپلماتیک امپریالیستی اروپا را متوجه خود نموده این محافل متمرمد "کالا" قرار دادن زنج و حرمسان خلق ارمنی در جهت فرو نشاندن عطش سیری تا پذیر خود شدند.

در سال ۱۹۱۴ اولین جنگ جهانی امپریالیستی فرا رسید، که خود فرصتی مناسب برای فاشیسم نو پای ترکیه در جهت قتل عام عثمانی یک ملت بدست داده

بخصوص که هدف اصلی موافقتنامه استفاده از پایگاههای آمریکا در ترکیه برای موارد "اضطراری" گزارش شده است و واضح است مورد "اضطراری" از نظر امپریالیسم آمریکا سرکوبی مبارزات دلیرانه خلقهای ایران بر ضد صهیونیسم و امپریالیسم و ایجاد توطئه در صفوف مبارزاتی خلقهای منطقه است. هر چند که یک ضلع مثلث ساواک، میت، موساد از بین رفته ولی دو ضلع دیگر با تقویت امپریالیسم همچنان مشغول اقدامات جنایتکارانه خود هستند و پیمانهای جدید ترکیه و آمریکا که ظاهرا "عنوان" دفاعی دارد پشتوانه محکمی برای این دو سرویس پلیس مخفی ایجاد نموده و مستقیما اقدامات آنها را تحکیم می نماید.

کوران نژاد پرستی پان تورانیسم، موقعیت جغرافیائی خلق ارمنی را عنصری مزاحم در راه تحقق اهداف خود یافت.

قتل عام ۱۹۱۵، یک و نیم میلیون قربانی و قسمت اعظم وطن تاریخی را از خلق ما گرفت.

از آن سالهای سیاه تا کنون دول ترکیه، از آتاتورک فاشیست (استاد رضا خان) تا دمیرل مال پرست (که اموال دولتی را بنفع خانواده خود بکار میگیرد) و اجویت "سوسیالیست و ملجو" (غاصب قبرس) همگی حقوق خلق ارمنی را در مورد سرزمینهای اشغالی نفی نموده اند و بدین ترتیب عملاً به بیعدالتیهای موروثی که دول پیشین علیه خلق ما بکار گرفته بودند، تداوم بخشیده اند.

دهها سال خلق ارمنی کلیه راههای مسالمت آمیز را برای رهایی از سرگردانی و آوارگی تجربه نمود. تنها وطن اشغال شده خود را باز پس گرفته و وطنی که در آن سه هزار سال تمام زیسته و با عرق جبین و خون خود شهرها، دهات، زیربنای اقتصادی، فرهنگ و زبان را ایجاد کرده بوده.

و بالاخره خلق ارمنی به آن نتیجه و اعتقاد رسید که درهای دولت ترکیه، کشورهای بزرگ و محافسین بین المللی هر روی او بسته است.

لازم بود این درها فرو ریخته شوند.

در عمر کاپیتالیسم پیشرفته و در شرایطی که امپریالیسم بطور جهانی سازمان یافته است، تنها یک زبان نفوذ میکند، زبان امپریالیسم، زبان غالب یعنی زبان زوره.

خلق ارمنی را نیز، آنچنانکه برای تمامی خلقهای تحت ستم پیش میاید، مجبور نمودند تا این زبان را بیاموزد و خلق ارمنی با این زبان آغاز به بیان نمود.

اکنون چهار سال است که گروههای شجاع و از جان گذشته خلق، در کشورهای عضو ناتو و خود ترکیه ضربات بی امایی به دولت ترکیه وارد میسازند.

با در نظر گرفتن پشتیبانی و انسجام اگر چه کند ولی در عین حال با ثبات خلق ارمنی با گروههای پیشتاز انقلابی، میتوان بیقین پیش بینی نمود که در آینده به چندان دور این پیکارها بطور غیر مترقبه حالتی تند بخود خواهند گرفت.

o o o

مبارزات انقلابیون ارمنی، بر خلاف دروغپردازیهای مکارانه دولت ترکیه و کارگزاران ارمنی آن، بر علیه خلق ترک نمیباشد، بلکه بر علیه دولت ترکیه است.

انقلابیون ارمنی نه تنها بر علیه خلق ترک مبارزه
نمیکنند بل بعکس آنها را در جهت‌رہائی از پیوغ
رژیم فاشیستیشان بازی مینمایند. مگر نه اینستکه
خلق ترک نیز تحت این رژیم مورد استثمار و ستم
قرار میگردد؟

خیر، انقلابیون ارمنی بر علیه خلق ترک پیسکار
نمیکنند، هر چند که طبق شواهد تاریخی، کارگزاران
قتل عام ارامنه اقشار ناآگاه ترک بوده اند.

از جهت دیگر انتظار میرود که خلق ترک، زحمتکشان،
دانشجویان و روشنفکران، دولت خود را در سیاست
سیاست خصمانه آن نسبت به ارامنه محکوم نمایند.
موضوعی که تا کنون تحقق نیافته است.

امروزه محافل حاکم ترک بطور در بست و کامل تحت
پیوغ امپریالیسم میباشند. استثمار و رقابت
روز افزون دول امپریالیستی، حمایت و همکاری وسیع
این محافل را یدک میکشند.

این همکاری همان وابستگی ضروری است که محافل حاکم
ترک به امپریالیسم و دول بزرگ در جهت ابقای
موجودیت نفرت‌انگیز آنها برای وارد آوردن فشار به
زحمتکشان ترک، تجاوز به حق خود مختاری ملی خلق
کرد، ادامه اشغال ارمنستان غربی و اسکندرون عربی
و از بین بردن استقلال و تمامیت ارضی قبرس، مرتکب
میسازند.

با این اهداف، آنها مدافع بزرگ دولت صهیونیستی
اسرائیل میباشند که فقط ظاهراً "و رباکارانه و نه
عملاً" خود را حامی اعراب و خلق فلسطین قلمداد
میکنند.

امروز، بر روی اسفخوانهای ملیونها قربانی ارمنی
دستگاههای جاسوسی و نظامی ناتو قرار گرفته و
پایگاههای موشکهای اتمی بر پا شده اند. آیا
میدانید نشانه این موشکها کجاست؟ بسوی شرق،
ارمنستان شوروی.

○ ○ ○

ورشکسته در سیاست داخلی خود، شکست خورده در سیاست
خارجی، خشن و بیرحم در مورد زحمتکشان ترک و آشفتگی
ناپذیر با خلقهای ارمنی، کرد و قبرسی.

این چنین است وضع محافل حاکم ترک که دشمن شماره
یک ما هستند. دشمنی که برای نابودی آن باید
خلقهای ترک، کرد، ارمنی، قبرسی و عرب متحد شده
تا در منطقه جامعه سوسیالیستی، آزاد و برابر را
جایگزین اجتماع فعلی نمایند.

نشریه گروه انقلابی رستوم

بها ۱۰ ریال

تهران - صندوق پستی ۱۸۱ - ۱۳